

The Necessities of Solving Social Problems based on Social Traditions of the Qur'an

Mahmoud Karimi¹ 

1. Associate professor of the Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran,
karimii@isu.ac.ir

Abstract

The method of solving social and public problems is one of the priority issues in the field of applied research. If there is no proper way to deal with social issues, society will suffer a lot of social harm that endangers social norms and values. In the Qur'anic worldview, social realities are not authentic, and what is authentic is the unchallengeable divine traditions. Due to the inevitability of divine traditions, the individual and social life of man is intertwined with these traditions. So to solve social problems, you have to pay attention to them. Familiarity with the traditions of the Qur'an can be effective in three areas: problem recognition, identifying the causes of the problem, and ultimately solving the social problem.

The current study aims to examine this issue as a fundamental question based on the Qur'an and the theory of Qur'anic traditions with an analytical-descriptive method. The findings of the study show that divine traditions in the Qur'an can be divided into three categories: mother traditions, subordinate traditions, and traditions based on human behavior. Mother traditions are the most comprehensive traditions such as the tradition of guidance. The subordinate traditions are: the tradition of prophethood, Imamate, relief, the accompaniment of Takween (nature) with Tashri' (Shari'a laws) and the tradition of divine experimentation. The traditions based on human behavior are: Imla', Makr, Istidraj and Idlal. A believer enjoys a good life by adhering to the mother and subordinate traditions. This life gives him the knowledge and power to use it to distinguish truth from falsehood in the process of solving the social problems and to prefer long-term interests over short-term interests. If a person and society adhere to the mother traditions, they will never end up with traditions based on human behavior such as Imla', Makr and Istidraj. The tradition of the accompaniment of Takween with Tashri' is one of the important traditions in solving social problems. The universe is not indifferent to the human acts, and as much as a person and society share in the protection of divine values, God Almighty make the system of being subservient to them. A non-believer faces the traditions of Imla', Makr and Istidraj, and according to these traditions in the path of solving a problem, he may feel successful in the short term and consider his solution correct and worthy, while he is immersed in falsehood and his greater efforts to solve the problem will lead him to move further away from success and solution. Recognizing the place of social traditions of the Qur'an can provide the basis for solving social problems through the social humanities of the Qur'an and theorizing on their basis. Since the social traditions of the Qur'an are not properly recognized and implemented, religious governance in the face of social issues will also emerge in the form of secular or eclectic governance.

KEYWORDS: Quranic Traditions, Social Issues, Problem Solving, Society and the Qur'an, Social Harms.

Received: 2024-01-06 | Received in revised from: 2024-03-11 | Accepted: 2024-12-30 | Published online: 2024-09-22

◆ How to cite: karimi, mahmoud(1403SH): The Necessities of Solving Social Problems based on Social Traditions of the Qur'an, *quran and social sciences*, 4(15), p174-207, [10.22034/arq.2024.212725](https://doi.org/10.22034/arq.2024.212725)

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



arq.quran.ac.ir

بایسته‌های حل مسائل اجتماعی بر اساس سنت‌های اجتماعی قرآن

محمود کریمی^۱ ID

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران، karimii@isu.ac.ir

چکیده

شیوه حل مسائل اجتماعی و عمومی یکی از موضوعات اولویت‌دار در حوزه پژوهش‌های کاربردی است. اگر در برخورد با مسائل اجتماعی روشی صحیح اتخاذ نشود، جامعه دچار آسیب‌های اجتماعی فراوانی خواهد شد که هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را به خطر می‌اندازد. در مقاله پیش رو این مسئله به‌عنوان پرسشی اساسی با استناد به قرآن کریم و بر اساس نظریه سنت‌های قرآنی و با روش توصیفی تحلیلی مورد کاوش قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سنت‌های الهی در قرآن کریم را می‌توان به سه دسته سنت‌های مادر، سنت‌های تابع و سنت‌های مبتنی بر رفتار انسان تقسیم کرد. انسان مؤمن در مواجهه با مسائل اجتماعی احساس می‌کند با این سه نوع سنت الهی احاطه شده است و باید در مسیر یافتن راه‌حل مسائل اجتماعی این سنت‌ها را به رسمیت بشناسد و سبک زندگی خود و جامعه را بر اساس این سنت‌ها سامان دهد. زندگی بر اساس سنت‌های الهی به انسان حیات دوباره‌ای می‌بخشد که بر اساس آن، از نوعی علم و قدرت برخوردار می‌شود که می‌تواند در مسیر حل مسئله اجتماعی از آن‌ها بهره‌جوید، درحالی‌که انسان غیر مؤمن که سنت‌های الهی را به رسمیت نمی‌شناسد از چنین معرفت و قدرتی برخوردار نیست و موفقیت‌هایش در مسیر حل مسائل اجتماعی نیز مقرون به شکست خواهد بود هرچند در بدو امر به این حقیقت آگاه نباشد. پایبندی به سنت‌های غیر مؤمنانه و غفلت از سنت‌های مؤمنانه، فرد و جامعه را در معرض سنت‌هایی مانند املا، مکر، استدراج و اضلال قرار می‌دهد که باعث می‌شود فرایند حل مسائل اجتماعی نتیجه‌بخش نباشد و جامعه به انحطاط فرهنگی و تمدنی دچار شود.

کلیدواژه‌ها: سنت‌های قرآنی، مسائل اجتماعی، حل مسئله، جامعه و قرآن، آسیب‌های اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

◆ استناد به این مقاله: کریمی، محمود (۱۴۰۳): (بایسته‌های حل مسائل اجتماعی بر اساس سنت‌های اجتماعی قرآن)، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۴(۱۵)، ۲۰۷-۱۷۴، 10.22034/arq.2024.212725

۱. بیان مسئله

تحلیل سیاست عمومی عبارت از مجموعه کوشش‌های نظام‌مندی است که جهت طراحی راه‌حل مؤثر برای حل یک مشکل یا مسئله عمومی صورت می‌گیرد. مقوله حل مسئله، محور اصلی را در این حوزه دانشی به خود اختصاص می‌دهد (سوداگر، ۱۳۹۸ الف: ۵۷). برای حل مسائل اجتماعی در مسیر تولید علوم انسانی اجتماعی قرآن بنیان باید به قرآن کریم و به‌طور خاص به سنت‌های قرآنی استناد کرد. از دیدگاه استاد جوادی آملی دانش سنت الهی دانشی کارآمد است که می‌تواند در چهره‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... ظهور و بروز داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۵: ۵۸۵)؛ بنابراین می‌توان بر اساس این نگاه به نظام معارف قرآنی از دریچه سنن الهی نگریست که از یک سو ناظر به قوانین هستی و همچنین قوانین حاکم بر اجتماع انسانی است (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۱۲) و از سوی دیگر ناظر به قوانینی است که به‌عنوان سنت در رسیدن انسان به طاعت خداوند اثرگذار خواهد بود. علامه طباطبایی در توضیح فطرت که یکی از ارکان نظام معارف قرآن است این‌گونه توضیح می‌دهد که دین که همان اصول عملی و سنت‌ها و قوانین عملی است که با آن سعادت حقیقی انسان تضمین می‌گردد از اقتضائات خلقت انسانی است و به همین دلیل تشریح بر فطرت و تکوین منطبق است و این معنای گزاره «دین فطری است» خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶: ۱۹۸).

بنابراین، سنت از یک سو قوانین حاکم بر هستی، جامعه و تاریخ که جریان اراده الهی است را توضیح می‌دهد و از سوی دیگر مسیر رسیدن انسان به طاعت الهی و قوانین یاری‌رسان در این باره را تشریح خواهد نمود.

برخلاف اندیشه و فرهنگ غرب که در آن اصالت با واقعیت اجتماعی است، در جهان‌بینی اسلامی واقعیت‌های اجتماعی اصالت ندارند و آنچه اصالت دارد سنت تغییرناپذیر الهی است. بر این اساس تغییر نظریه در غرب یعنی تغییر پارادایم، درحالی‌که در جهان‌بینی اسلامی یعنی نگاهی جدید به جهان برای حل مشکلات آن با تکیه بر سنت‌های الهی (ایمان و کلامه‌ساداتی، ۱۳۸۹: ۲۴).

مواجهه علوم اجتماعی با پدیده‌های انسانی در سه مرحله تشخیص مسئله، شناخت سبب و ارائه راه حل صورت می‌گیرد. حکمرانی دینی که دغدغه مهم نظام اسلامی در جمهوری اسلامی و نیز برخی جوامع دیگر است، بدون شناخت صحیح مسائل اجتماعی و ارائه راه حل‌های صائب و عملیاتی امکان‌پذیر نیست. حکمرانی دینی بدون ارائه روش‌های حل مسئله مبتنی بر معارف و آموزه‌های دین ارمغانی جز حکمرانی التقاطی نخواهد داشت. از سوی دیگر قرآن که به‌عنوان مهم‌ترین منبع معرفت دینی خود را کتاب هدایت معرفی می‌کند و یکی از اهداف متعالی تعریف شده در آن، امت سازی است در این عرصه ساکت ننشسته و الگویی را برای حل مسائل اجتماعی باهدف رسیدن به امت مطلوب قرآنی ارائه می‌دهد. این دغدغه‌ها پژوهشگر را وادار می‌کند تا آن‌ها را مسئله پژوهش خویش محسوب کند و درصدد پاسخ به این سؤال مهم برآید که: جایگاه سنت‌های قرآنی در حل مسائل اجتماعی چیست و شخصی که می‌خواهد بر اساس قرآن کریم برای مسائل اجتماعی پیرامون خویش راه حل بیابد به چه منظومه‌ای از قوانین و سنت‌های الهی باید واقف باشد؟ این قوانین چگونه می‌تواند بر رفتار فرد و جامعه تأثیر بگذارد و نهایتاً در پرتو آن‌ها از یک سو برخی مسائل و معضلات اجتماعی فرصت ظهور نیابد و از سوی دیگر، در صورت پیدایش، راه حل مناسب خود را در این سنت‌ها بیابد. دستاورد این نوع از پژوهش‌ها می‌تواند در تولید علوم انسانی اجتماعی قرآن بنیان و نقد علوم اجتماعی متعارف نقش مؤثری را ایفا کند. الگوی رایج در اندیشه غرب مبتنی بر درک مادی از هستی و واقعیت است. علوم متعارف و سکولار با استفاده از فقدان نظریه‌پردازی در بین اندیشمندان مسلمان تلاش کرده مسائل اجتماعی را که اندیشمندان اسلامی بدان پاسخی نداده‌اند، تبیین و تحلیل کند. دستاورد این پژوهش می‌تواند ظرفیت مناسبی را برای مطالعه تطبیقی و نقد این علوم فراهم نماید. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی داده‌های قرآنی در این زمینه را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. مفهوم شناسی سنت و مسئله در ابتدای مقاله تصویر روشنی از عنوان پژوهش را به خواننده نشان می‌دهد. ویژگی‌های سنن

الهی و قرآنی بخش بعدی پژوهش است که می‌تواند رویکرد اندیشه قرآنی را نسبت به مسائل اجتماعی روشن کند. نهایتاً انواع سه‌گانه سنت در قرآن کریم و جایگاه آن‌ها در حل مسائل اجتماعی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در باب پیشینه موضوع و در زمینه سنت‌های الهی در قرآن کریم تحقیقاتی صورت گرفته است که برخی از آن‌ها ناظر به منطوق استخراج سنن الهی (روحانی، ۱۳۹۴: ۹۵) و برخی ناظر به ارتباط میان سنت‌های الهی و علوم انسانی بوده‌اند (افضلی، ۱۳۹۵: ۷ و رحمانی، ۱۳۹۷: ۷۵). در عین حال، پژوهش‌چندانی در مورد تأثیر سنت‌های الهی بر حل مسائل اجتماعی انجام نشده است. آنچه این پژوهش را از پژوهش‌های قبلی متمایز می‌کند بررسی و تحلیل سنت‌های الهی ناظر به حل مسائل اجتماعی است. دسته‌بندی سنت‌های الهی در حوزه مسائل اجتماعی، و تفاوت بین مواجهه مؤمنانه و مواجهه غیر مؤمنانه به این سنتها در فرایند حل مساله، نوآوری این مقاله محسوب می‌شود.

۲. مفهوم شناسی

الف) سنت: سنت در لغت به معنای روش و طریقه است (جوهری، ۱۴۰۴ق، ۵: ۲۱۳۸). سنت الهی طریقه‌ای است که حکمت الهی در آن ظهور می‌یابد و یا طاعت خداوند به ثمر می‌رسد (راغب، ۱۳۷۷: ۲۵۱). تعبیر «سنة الله» هشت بار در قرآن کریم به کاررفته است. سنة الله در اصطلاح قرآنی عبارت است از قانون کلی حاکم بر جوامع (فیض، ۱۳۸۲: ۲۲۳). تعاریف دیگری که برای سنت خداوند صورت گرفته عبارت‌اند از: جریان عادی و پیوسته‌ای که بشر در دوران حیات خود طی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶: ۳۴۰) و روش‌هایی که خداوند متعال امور عالم و آدم را بر اساس آن‌ها اداره و تدبیر می‌نماید (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۴۲۵). سنت‌های قرآنی در اندیشه شهید صدر به‌عنوان مفهومی قرآنی مطرح شده که بر اساس آن تمام وقایع زندگی انسانی دارای سنت و قانون هستند و نباید در این زمینه جبرگرا بود یا این که وقایع را فاقد نظم منطقی دانست (صدر، ۱۴۳۴ق: ۵۳). نظریه سنت‌های الهی نزد دیگر اندیشمندان نیز

مطرح بوده است که از جمله می‌توان به دیدگاه ابن عاشور نسبت به سنت‌های حیاتی اشاره نمود (میرزایی، ۲۰۰۸: ۳۴). بدین ترتیب سنت‌های الهی و قرآنی همان قوانین جهان‌شمول و جاودانی هستند که خداوند برای مدیریت و تدبیر عالم هستی مقرر کرده است. سنت‌های اجتماعی قرآن قوانین فراگیر و جاودانه است که اجرای آن‌ها رشد و بالندگی جامعه را همسو با هدف خلقت در پی خواهد داشت و دور شدن و تخلف از آن‌ها به انحطاط جوامع منجر خواهد شد.

ب) مسئله: یکی از مهم‌ترین امور در هر سازمان یا جامعه توانایی حل مسئله است که مدیر سازمان در ارتباط با آن دارای مسؤولیت است و همین امر ضرورت شناخت بایسته‌های حل مسئله را ضروری می‌سازد. مسئله که معادل واژه problem است امری است که برای ما ناشناخته و مجهول است. در نتیجه اگر مدیر با امر جدیدی مواجه شود که باید در مورد آن تصمیم بگیرد با مسئله مواجه شده است (طرقی، ۱۳۹۲: ۵۷). در رابطه با تعریف مسئله تبیین‌های مختلفی صورت گرفته است. از جمله این تبیین‌ها آن است که مسئله عبارت از موقعیتی است که انسان در ارتباط با آن نمی‌تواند در لحظه، پاسخ سریع و مناسب بیابد. در زندگی اجتماعی همواره ما با دو وضعیت روبرو هستیم که عبارت از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. بررسی میزان فاصله وضع موجود تا وضع مطلوب فرایندی است که فرد یا سازمان در مسیر شناخت مسئله تا حل مسئله باید طی کند (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸۷). ابتدا وضع موجود شناخته می‌شود و سپس وضع مطلوب ترسیم گشته و گام‌های رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب تبیین می‌گردد (الوانی و زاهدی، ۱۳۷۵: ۲۳).

نکته دیگر آن که مسئله‌ها همه یکسان نیستند. برخی مسئله‌ها ساده هستند؛ ولی بیشتر مسائل پیچیده و چندوجهی هستند و حل آن‌ها به دانش و مهارت نیاز دارد. با توجه به پیچیدگی‌هایی که در زندگی اجتماعی وجود دارد اولاً وقوع مسئله امری طبیعی است و ثانیاً مسائل اجتماعی چندوجهی است و حل آن‌ها نیازمند بررسی گزینه‌های مختلف و برداشتن گام‌های متفاوت است. در نتیجه فردی که درصدد حل مسائل اجتماعی است لازم است علاوه بر مجموعه‌ای از

دانش‌ها و آگاهی‌ها، به مهارت‌های عملی حل مسئله نیز مجهز باشد. در غیر این صورت، توفیق حل صحیح مسئله را نخواهد یافت.

۳. ویژگی‌های سنن الهی در ارتباط با مسائل اجتماعی

الف) حتمی بودن سنت‌های الهی: از جمله ویژگی‌های سنت‌های الهی حتمی بودن تحقق این سنت‌ها است. علامه طباطبایی در توضیح آیه کریمه «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳) تأکید می‌نماید که بر اساس این آیه هیچ‌گونه تبدیل یا تحویلی در ارتباط با سنن الهی قابل فرض نیست. بر این مبنا نه در کیفیت سنت تغییری ایجاد خواهد شد و نه افراد و گروه‌هایی که سنت درباره آن‌ها جاری می‌گردد، تغییر خواهند یافت.

ب) در هم تنیدگی زندگی انسان با سنت‌های الهی: سنت‌های الهی در تعبیری دیگر کلمات الهی هستند که بر اساس آن‌ها جهان هستی و زندگی انسانی رقم خواهد خورد. بنا به تعبیر شهید صدر سنن الهی با اختلافی در تعبیر همان کلمات الهی هستند (صدر، ۱۴۳۴ق: ۷۷). در بیان علامه طباطبایی نیز کلمات الهی از سویی به معنای قضا و سنت جاریه الهی به کاررفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰: ۱۱۱) و از سوی دیگر جهان وجود و زندگی انسان پیچیده به کلمات الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳: ۴۰۴)؛ بنابراین می‌توان گفت سنت‌های الهی جریان‌هایی هستند که زندگی انسانی پیچیده در آن‌ها است و انسان در مسیر زندگی خود با آن‌ها روبرو می‌گردد.

ج) تنظیم قواعد زندگی اجتماعی انسان بر اساس سنت‌های الهی: بنا بر آنچه گذشت بر اساس آیه کریمه «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» سنت الهی جریان تخلف‌ناپذیر اراده الهی است (صدر، ۱۴۳۴ق: ۷۱) که در عالم وجود و زندگی انسان جاری می‌گردد و زندگی انسان پیچیده در سنت‌های الهی است؛ بنابراین می‌توان گفت سنت‌های الهی به‌عنوان قواعد زندگی انسان هستند که هیچ انسانی در هیچ موقعیتی از آن خارج نیست و با علم نسبت به این سنت‌ها امکان موفقیت برای انسان پدید خواهد

آمد. با توجه به این نکته می‌توان گفت یکی از اسلوب‌های استنباط در دیدگاه اسلامی عبارت از نگاه جدید به جهان و انسان در ارتباط با سنت‌های الهی با توجه به موقعیتی است که انسان در آن قرار گرفته است. در ادامه به بررسی اسلوب ذکر شده در ارتباط با بایسته‌های حل مسائل اجتماعی خواهیم پرداخت. شایان ذکر است که در مسیر استخراج سنن الهی در ارتباط با حل مسائل اجتماعی ضمن استفاده از تفسیر المیزان و منابع روایی به‌طور خاص آیات قرآن کریم و خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه مورد مطالعه قرار گرفته است.

۴. سنت‌های قرآنی در حوزه مسائل اجتماعی

در قرآن کریم قوانینی وجود دارد که می‌توان از آن به‌عنوان سنت‌های الهی یاد نمود. برخی از سنت‌ها از نظر میزان فراگیری افراد و نیز شمول زمانی و مکانی، فراگیر، همه‌زمانی و همه مکانی هستند. این دسته از سنت‌ها سنت مادر محسوب می‌شوند. شاخصه دیگری که در سنت‌های مادر وجود دارد آن است که سنت‌های دیگر الهی زیرمجموعه آن‌ها قرار می‌گیرند. به‌عنوان نمونه سنت احقاق حق ((بقره: ۱۴۷؛ آل عمران: ۶۰) و سنت هدایت (بقره: ۱۸۵؛ طه: ۵۰) سنت‌های مادر به شمار می‌آیند؛ زیرا همه افراد و بلکه همه موجودات را در هر زمان و مکانی شامل می‌شوند.

سنت‌های تابع سنت‌هایی هستند که ابزار و زمینه را برای تحقق سنت‌های مادر فراهم می‌کنند. خداوند متعال بر اساس سنت هدایت که سنت مادر است، اراده کرده تا همه انسان‌ها در مسیر هدایت قرار گیرند. هدایت در عالم انسانی از دو طریق فرستادن دین و قرار گرفتن انسان در فرایند ابتلا و آزمایش امکان تحقق می‌یابد. سنت تشریح دین که فرآیند هدایت در انسان‌ها را رقم می‌زند، خود با سنت‌هایی فرعی همراه است مانند سنت نبوت، امامت و امداد (اسراء: ۲۰) که تابعی از سنت هدایت محسوب می‌شوند.

نوع سوم سنت‌هایی هستند که خداوند آن‌ها را به‌صورت ابتدایی و استقلالی

جاری نمی‌سازد. این سنت‌ها در مقام واکنش و نوع مواجهه و رفتار افراد و جوامع با سنت‌های مادر و تابع، جریان می‌یابند. به‌عنوان مثال اگر در فرایند سنت هدایت که سنت مادر محسوب می‌شود، فرد و جامعه از پذیرش این سنت و پایبندی به آموزه‌هایی که بر اساس سنت نبوت و امامت (سنت‌های تابع) به آن‌ها عرضه می‌شود خودداری کنند، سنت‌های الهی مانند سنت املاء (آل عمران: ۱۷۸؛ مکر (آل عمران: ۵۴) و استدراج (قلم: ۴۴) بر آن‌ها جاری خواهد شد. در ادامه این سه دسته از سنت‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) سنت‌های مادر

مهم‌ترین سنت‌های مادر عبارت‌اند از:

سنت اقامه حق: از جمله مهم‌ترین سنت‌های الهی سنت اقامه حق به‌وسیله کلمات الهی است. در آیات متعددی از قرآن کریم حق از جانب خدا دانسته شده است (بقره: ۱۴۷؛ آل عمران: ۶۰). بر این اساس حق آن چیزی است که از خدا نشئت گیرد و هر چیزی تا آنجا از حقیقت، واقعیت و وجود بهره‌مند است که به خدا منتسب گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳: ۱۸۸). در عالم وجود، حق از سوی خداوند متعال که خود حق مطلق است، ظهور می‌یابد. در قرآن کریم این ظهور به‌وسیله کلمات الهی دانسته شده است و بر این اساس خداوند متعال با کلمات خود حق را آشکار و ظاهر می‌سازد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۰: ۱۱۱)؛ بنابراین می‌توان مهم‌ترین سنت جاری در جهان هستی را به ظهور رسیدن حق به‌وسیله کلمات الهی دانست. البته ناگفته نماند که ظهور حق در عالم دنیا که محل تراحم و تعارض است پیوسته به نقص است که از این نقص با عنوان باطل یاد شده است. بر این مبنا به‌جز خداوند متعال هر موجودی شائبه‌ای از نقص و بطلان را به همراه دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴: ۲۶۳). باطل گرچه در نظام دنیا مانند کفی بر روی آب است به میزانی مهلت می‌یابد تا با حق تعارض نماید و به‌وسیله حق از میان برود (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۱۴: ۲۶۳). در وجود انسان نیز حق و باطل با یکدیگر در ستیز هستند و اعتقاد، قول و فعلی

که از حقیقت الهی نشئت گیرد و با سنت جاری در نظام وجود سازگار باشد حق خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰: ۵۷). انسانی که مؤمن باشد و عمل صالح انجام دهد بر اساس آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) زندگی دوباره‌ای خواهد یافت و در این مسیر علم و قدرت تازه‌ای پیدا خواهد نمود. او اشیاء را به گونه‌ای خواهد یافت که به دودسته حق و باطل تقسیم شده‌اند که دسته‌ای حق و دسته‌ای باطل هستند. باطل عبارت از دنیای فانی با تمام ظواهر آن است و حق آن چیزی است که با خدا ارتباط برقرار نموده است. او قلب خود را به پروردگار حق خود گره خواهد زد که هر حقی را با کلمات خود برقرار می‌سازد (جوادی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۳۴۲). بنا بر آنچه گذشت می‌توان سنت اقامه حق را مهم‌ترین سنتی دانست که دیگر سنت‌ها ذیل آن شکل می‌گیرند.

سنت هدایت: دومین سنتی که به‌عنوان سنت مادر قابل ذکر است سنت هدایت است. سنت هدایت را می‌توان سنت دلالت و راهنمایی هر موجود به سمت مقاصد در نظر گرفته‌شده در وجود آن دانست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۱۴۴). درواقع خداوند متعال برای آشکار کردن حق و برقرار ساختن آن، موجودات را به جایگاه و غایت نهایی که دارند هدایت می‌نماید. این نحوه از هدایت به‌صورت عام درباره تمام موجودات عالم صادق است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴: ۱۶۶). این هدایت در ارتباط با انسان‌ها از دو راه صورت می‌گیرد. نخست فرآیند تشریح که از سوی خداوند متعال با فرستادن پیامبران و امامان انجام می‌پذیرد و دوم قرار گرفتن انسان در موقعیت‌های متعدد که هر یک بهانه‌ای برای آزموده شدن انسان محسوب می‌گردد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۲: ۲۱۳). با سکونت انسان در «أرض» وی مخاطب دستور و اوامر الهی قرارگرفته است. بر اساس دو آیه «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ (بقره: ۳۸) و «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي

۱. گفتیم که همگی از آن (ملاً اعلی) فرود آید، پس اگر شما را از جانب من هدایتی (به وسیله پیامبران و کتاب‌های آسمانی) بیاید، کسانی که از رهنمایی من پیروی کنند نه آنها را ترسی باشد و نه اندوهی خواهند داشت.

هُدًى فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى»^۱ (طه: ۱۲۳) این خطاب در آیات الهی به محض هبوط وی بر زمین آغاز گشته است. شایان ذکر است که آنچه در این قسمت در ارتباط با هدایت بشر قابل ذکر است، هدایت به معنی عام آن یعنی نشان دادن راه است که در آیاتی مانند «إنا هدیناه السبیل إنا شاکرًا و إنا کفورًا» (دهر: ۳) به آن اشاره شده است (جوادی، ۱۳۷۸، ۴: ۳۱). در ادامه بررسی سنت‌ها به سنت‌هایی که ذیل سنت هدایت عام قرار دارند و به هدایت خاص می‌پردازند خواهیم پرداخت.

سنت تشریح و امتحان: سنت تشریح و امتحان سنتی است که در ادامه سنت هدایت در خصوص انسان وجود دارد و متکی بر آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۳۶). بر اساس این سنت، خداوند متعال انسان را از یک سو از راه تشریح و برقراری دین و از سوی دیگر از راه قرار گرفتن در موقعیت‌های گوناگون و امتحان و ابتلای وی در این مسیر هدایت می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۶: ۱۸۲). این سنت را نیز می‌توان به‌عنوان سنت مادر دانست که امر هدایت انسان به آن وابسته است و برای هر انسانی در هر شرایطی جاری است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۳۶).

ابتلا و امتحان وسیله‌ای برای آشکار شدن و به منصفه ظهور رسیدن مؤمنان و رسیدن آنان به کمال است و این امر تنها از مسیر ابتلا و امتحان خواهد گذشت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶: ۹۸). اصولاً قرار گرفتن انسان در حیات دنیا که محل درگیری انسان با امور و اشخاص گوناگون است، برای قرار گرفتن انسان در بوته امتحان است (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۷: ۳۹۶). امتحانی که با ملایمات و ناملایمات در زندگی انسان اتفاق خواهد افتاد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴: ۲۸۷). برای هدایت انسان در امتحان مطرح شده، دین الهی نازل شده است که در منطق قرآن یک روش زندگی اجتماعی برای تأمین سعادت زندگی است (طباطبایی،

۱. (خداوند) گفت: هر دو از این محیط (به کره زمین) فرود آید (و آنجا تناسل کنید) در حالی که برخی از شما (آدمیان) دشمن برخی دیگر خواهید بود؛ پس اگر از جانب من برای شما هدایتی (آینی به وسیله پیامبری) آمد، هر که پیروی از هدایت من کند هرگز نه گمراه شود و نه شقی و بدبخت گردد.

۱۳۸۷: ۱۲۶). در این مسیر مثل احکام دینی و ثواب و عقاب‌های مترتب بر آن، مثل ابزاراری است که مربی حکیم در اختیار کودک قرار داده تا بدین وسیله عضلات طفل را ورزیده نماید و او را برای ورود به سطوح عالی‌تر آماده نماید (جوادی، ۱۳۷۸، ۶: ۳۷۵).

ب) سنت‌های تابع

در ضمن سنت‌هایی که به‌عنوان سنت مادر ذکر شد، می‌توان به سنت‌های تابع اشاره نمود که ابزار و زمینه‌ای برای تحقق یافتن سنت‌های مادر محسوب می‌گردند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. خداوند متعال بر اساس سنت احقاق حق، حق را در جهان برقرار می‌سازد. اقامه حق در جهان از طریق سنت هدایت دنبال می‌شود و نهایتاً هدایت در عالم انسانی از دو طریق فرستادن دین و قرار گرفتن انسان در ابتلا و آزمایش امکان می‌یابد. سنت تشریح دین که فرآیند هدایت در انسان‌ها را رقم می‌زند، با خرده سنت‌هایی همراه است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم نمود.

سنت نبوت: خداوند متعال در راستای تشریح دین، پیامبران را به‌سوی مردم فرستاد. نهضت پیامبران که از آن به‌عنوان سنت نبوت یاد می‌شود، قیامی الهی در جهت سیر نوع انسان در حالت فردی و اجتماعی بر محور کلمه توحید است که سبب منطبق شدن تمامی اعمال فردی و اجتماعی انسان بر اسلام و برقرار شدن قسط و عدل و بهره‌مند شدن همگان از حقوق زندگی خواهد شد که این امر جز با تسری توحید در تمام شئون فردی و اجتماعی و پس زدن بندگی غیر خدا ممکن نخواهد گشت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳: ۲۴۸). بعثت انبیا که خود از جمله سنن و کلمات الهی است، در طول تاریخ ادامه می‌یابد تا این که با ارسال آخرین پیامبر از مراحل نقص خود گذر کرده و به نهایت درجه کمال خود می‌رسد و وعده الهی در این باره صادق گشته و تحقق می‌یابد (جوادی، ۱۳۷۸، ۷: ۳۲۹). مهم‌ترین اثر بعثت انبیا نشان دادن راه صواب از ناصواب در اعتقاد و عمل و اتمام حجت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱: ۲۷۲ و ۷: ۳۵۵).

سنت امامت: از آنچه در قرآن کریم تحت عنوان امامت آمده است این گونه برداشت می‌شود که امامت در کنار نبوت یکی از سنت‌های الهی در هدایت و تشریح دین برای بشر است. امامت بر اساس آیات قرآن به مرتبه‌ای پس از نبوت اطلاق می‌گردد که بر اساس صبر و یقینی که در انسان محقق گشته است، عالم ملکوت برای وی گشوده می‌شود و او با دسترسی به باطن اشیاء، انسان‌ها و مسیر سعادت و شقاوت ایشان به دستگیری از سالکان مسیر ربوبی پرداخته و نه تنها راه را به ایشان نشان می‌دهد بلکه ایشان را به سرمنزل مقصود رسانده و همراهی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱: ۲۷۳)؛ بنابراین می‌توان مهم‌ترین تفاوت نبی و امام را در این دانست که نبی وظیفه هدایت در ظاهر و نشان دادن راه را بر عهده دارد، اما امام به هدایت در باطن هم‌زمان با هدایت در ظاهر و به رساندن به مقصد هم‌زمان با نشان دادن راه عنایت دارد.

سنت امداد: خداوند متعال در جریان سنت ابتلا و برای فراهم آوردن امکان انتخاب دو مسیر خیر و شرّ، بر اساس قانون اسباب و مسببات، همه انسان‌ها را اعم از این که در مسیر دنیا و یا مسیر آخرت گام نهند، در انجام کار خود موفق می‌سازد. از این رویه و قانون الهی در قرآن کریم با عنوان امداد یاد شده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۸: ۲۰۳). بر اساس این سنت، خداوند هیچ شتابی در رساندن نتیجه اعمال به صورت غیرطبیعی و به گونه‌ای که قاعده بازی را بر هم بزند ندارد؛ بنابراین نه امور خیر را همواره بر انسان نیک کردار جاری می‌کند و نه امور شر را یکسره بر انسان بدکردار مسلط خواهد ساخت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰: ۲۳)؛ بلکه بر اساس نظام اسباب و مسببات امکان انتخاب هر یک از این دو مسیر را برای انسان فراهم می‌سازد و بر اساس انتخاب فرد، او را به هدفش می‌رساند.

سنت همراهی تکوین با تشریح: یکی از سنت‌هایی که ذیل سنت تشریح قابل طرح است، سنت همراهی تکوین با تشریح است. به این معنی که تکوین در برابر اعمال انسان‌ها بی تفاوت نیست و هر مقدار فرد و جامعه‌ای به پاسداری از ارزش‌های الهی همت گمارند، به همان میزان خداوند متعال نیز

نظام وجود را در خدمت ایشان قرار می‌دهد. بر اساس آیات قرآن کریم ایمان و تقوا مخصوصاً به صورت جمعی اثر شگرفی در همراه ساختن جهان با انسان دارند و سبب باز شدن برکات آسمانها و زمین برای انسانها خواهد شد (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۲: ۱۸۱). همچنین در صورتی که انسان برخلاف مسیر تعیین شده الهی حرکت نماید، فساد اندیشه و اعمال وی بر رفتار جهان نیز اثرگذار است و بر اساس آن خداوند متعال فساد خشکی و دریا را نشئت گرفته از رفتار انسانها معرفی نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲: ۱۸۲).

سنت مبتنی بودن حیات دنیا بر آزمایش: خداوند متعال حیات دنیا را به گونه‌ای قرار داده است که به صورت کامل آماده برای امتحان باشد. حیات دنیا در دوره‌های مختلف عمر انسان، این قابلیت را دارد. دوره‌ای از حیات انسان به بازی، دوره‌ای به سرگرمی، دوره‌ای به زینت‌ها، دوره‌ای به فخرفروشی و دوره‌ای به فزونی زدگی سپری می‌گردد تا انسان به انتهای حیات خود برسد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹: ۱۶۴). علاوه بر آنچه ذکر شد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حیات دنیا اختلاف و گوناگونی میان انسانها و موقعیت‌های مختلفی است که آنها در آن قرار می‌گیرند که این نظام شگرف زمینه بسیار مناسبی را برای برپایی سنت ابتلا فراهم می‌سازد (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۷: ۳۹۶) بر این اساس موقعیت‌های اجتماعی نیز بر اساس سنت مداوله میان انسانها جایجا می‌گردد تا آن که از موقعیتی مناسب برخوردار است، در موقعیت مناسب و آن که در موقعیتی نامناسب قرار گرفته است در موقعیت نامناسب مورد امتحان و ابتلا قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۲۹).

ج) سنت‌های الهی مبتنی بر رفتار انسانی

انسان در برابر سنت‌های الهی رفتارهای گوناگونی دارد؛ به نوعی که رفتارهای انسانی می‌تواند سبب برقرار شدن سنت‌های الهی دیگری گردد. مهم‌ترین واکنش انسان در برابر سنت اقامه حق الهی می‌تواند توجه به نظام حق و باطل و شکل دادن به اعتقاد و قول و فعل بر اساس حق باشد. آن گونه که گذشت

انسانی که مؤمن باشد و عمل صالح انجام دهد بر اساس آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) زندگی دوباره‌ای خواهد یافت و در این مسیر علم و قدرت تازه‌ای پیدا خواهد نمود. او اشیاء را به گونه‌ای خواهد یافت که به دودسته حق و باطل تقسیم شده‌اند که دسته‌ای حق و دسته‌ای باطل هستند. باطل عبارت از دنیای فانی با تمام ظواهر آن است و حق آن چیزی است که با خدا ارتباط برقرار نموده است. او قلب خود را به پروردگار حق خود گره خواهد زد که هر حقی را با کلمات خود برقرار می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۳۴۲). انسان در مسیر هدایت با دو سنت نبوت و امامت ارتباط پیدا خواهد کرد و برای اقامه حق در حوزه‌های فردی و اجتماعی از طریق نبوت و امامت به پیدا کردن راه و پیمودن آن خواهد پرداخت. او از سنت همراهی تکوین با تشریح بیشترین استفاده را خواهد نمود و سعی خواهد نمود که با عقیده حق و عمل صالح با عالم تکوین همراه شود و از برکات آن استفاده نماید. هرچند او همواره به نفس خود بدگمان است و سعی می‌کند تا نقص‌های خود را برطرف سازد تا مشمول سنت‌هایی مانند املاء، مکر و استدراج نگردد و از فرصت امتحان حیات دنیا بیشترین بهره را برای سیر به سمت خدا و کمال ببرد. در ذیل به برخی سنت‌های الهی مبتنی بر رفتار انسانی اشاره می‌کنیم.

سنت املاء، مکر و استدراج: بر اساس آنچه در سنت امداد گذشت، خداوند متعال زمینه را برای بروز رفتارهای گوناگون انسانی فراهم می‌سازد؛ اما بر اساس سنت املاء، مکر و استدراج، خداوند متعال در ابتدا انسان را با سختی و تنگنا مورد امتحان قرار می‌دهد؛ اما در صورتی که وی متذکر نگردد، با مهلت دادن، وی را به حال خود رها می‌کند تا هر چه بیشتر به رفتارهای نادرست خود ادامه دهد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۲۱: ۳۱۲). این امر از سویی با عنوان مهلت دادن یا املاء، از سوی دیگر با عنوان مکر و از سوی دیگر با عنوان استدراج یا درجه درجه تنزل دادن یاد می‌گردد. امیر مؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: خداوند متعال کمر هیچ‌یک از جباران روزگار را نشکسته است جز بعد از زمانی که به ایشان مهلت داده است و ایشان را در آسایش نهاده

است (سید رضی، ۱۴۱۲، خطبه ۸۸). این سنت آنگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد که فرد یا جامعه در شرایط عادی، تنگناها و سختی‌هایی که برای ایشان واقع می‌گردد به سمت اندیشه توحیدی و عمل صالح حرکت نکنند و امیدی در اصلاح ایشان وجود نداشته باشد. این سنت تا آنجا ادامه خواهد یافت که عذاب دنیوی و اخروی برای ایشان آشکار شود و گرفتار در آن گردند.

سنت اضلال الهی: یکی از سنت‌های الهی مطرح شده در قرآن کریم سنت اضلال الهی است. از آنجایی که سنت هدایت یک سنت مادر است و سنت اضلال نقطه مقابل آن محسوب می‌شود، شایسته است رفتارهای زمینه‌ساز آن نیز مورد بررسی قرار گیرد. برخلاف سنت هدایت که به نحو عمومی قابل تصور است و تمامی انسان‌ها مشمول آن می‌گردند، سنت اضلال آن گونه که در قرآن کریم ترسیم شده است شامل تمام بندگان الهی نخواهد شد و تنها برخی از افراد آن‌هم به دلیل این که خود زمینه را برای اضلال فراهم ساخته‌اند، مشمول سنت اضلال الهی خواهند گشت. معنی سنت الهی اضلال این است که با توجه به که دنیادار امتحان است و حیات دنیا بستر آزمایش انسان است، در صورتی که فردی خود را در معرض اضلال و گمراهی قرار دهد و امکان هدایت را از خود سلب کند، خداوند متعال نیز او را به حال خود رها می‌کند که منجر به گمراهی وی خواهد شد. از مهم‌ترین عوامل شمول سنت اضلال الهی تبعیت از هوای نفس، فسق، قساوت قلب و تقلید مذموم است. خداوند متعال فرآیند اضلال را از طریق ابلیس و نفس انسان عملیاتی می‌سازد. در ادامه به فرآیندهایی اشاره خواهیم کرد که زمینه را برای سنت اضلال الهی فراهم می‌آورد.

رفتارهای زمینه‌ساز تحقق سنت اضلال الهی: همان گونه که گذشت رفتارهای انسان سبب شمول سنت اضلال خواهد گشت. در ادامه به برخی از رفتارهای انسانی که زمینه‌ساز تحقق سنت اضلال الهی است اشاره خواهیم نمود.

الف) فراموشی خدا: خداوند متعال در قرآن کریم فراموشی از یاد خدا را مقدمه همراهی با شیاطین معرفی نموده است که طی آن شیاطین امکان گمراه ساختن

انسان را پیدا خواهند نمود (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۱۸: ۱۰۲). دریانی دیگر این گونه می‌توان توضیح داد که آن‌که پروردگار خود را فراموش کند چاره‌ای نخواهد داشت جز این که به دنیا دل ببندد و آن را تنها مقصد خود قرار دهد و تمام همت خود را مصروف آن سازد در صورتی که اگر او مقام رب خود را در نظر داشت به حیاتی یقین می‌کرد که مرگی در آن نیست و عزتی را در نظر می‌گرفت که هیچ ذلتی در برابر آن مطرح نبود و در این صورت به سعادت حقیقی دست می‌یافت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴: ۲۲۵). وقوع نسیان برای انسان‌ها در آیاتی از قرآن کریم به کاررفته است (البقره: ۲۸۶؛ الأنعام: ۴۴ و ۶۸؛ الأعراف: ۵۱، ۵۳ و ۱۶۵؛ التوبه: ۶۷؛ یس: ۷۸؛ الجاثیه: ۳۴ و الحشر: ۱۹) که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (الحشر: ۱۹) اشاره نمود. در روایات آمده است که نسیان پروردگار است که زمینه را برای وسوسه شیطان فراهم می‌کند و در صورتی که انسان به یاد خدا باشد ابلیس فرصت برای وسوسه کردن و گمراه نمودن پیدا نخواهد نمود (طبرسی، ۱۴۱۵، ۱۰: ۸۶۹).

ب) ظلم و فسق: ظلم و فسق مهم‌ترین رفتارهایی هستند که سبب شمول سنت اضلال الهی می‌گردند. تا جایی که در قرآن کریم تأکید شده است که امکان هدایت و ایمان آوردن از افرادی که فاسق هستند، سلب شده است. در قرآن کریم کوچک‌ترین عمل فاسقانه به جهت این که باطل است و با نظام جهان سازگار نیست، سبب عدم موفقیت و هدایت عنوان شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱: ۱۹۷). همچنین عمل فاسقانه از اندیشه‌ای ناصحیح نشئت می‌گیرد که بر اساس آن انسان جای نیک و بد در زندگی را اشتباه می‌کند و به این ترتیب توان راه یافتن به هدایت و صراط مستقیم را از دست خواهد داد و در سیر خود دچار سردرگمی خواهد شد (جوادی، ۱۳۷۸، ۱۹: ۴۰۶). از سوی دیگر ظلم نیز که به معنی انحراف از صراط عدل و انجام ندادن اعمال به نحو شایسته است سبب عدم هدایت و ناامیدی و خسران است و این حقیقت درخشانی است که به فرموده علامه طباطبایی قرآن کریم در آیاتی مانند «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»

(آل عمران: ۸۶) مورد تأکید قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲: ۳۵۵).

ج) استکبار: در قرآن کریم تأکید فراوانی بر این نکته شده است که در صورتی که فرد خودبینی و استکبار داشته باشد مقدمه ضلالت و گمراهی خود را فراهم کرده است و امکان هدایت از او سلب خواهد شد. خداوند متعال فرموده است: «سأصرف عن آياتي الذين يتكبرون في الأرض بغير الحق» (الأعراف: ۱۴۶) قرآن کریم جهنم را پناهگاه متکبران دانسته است (الزمر: ۶۰) اصولاً انگیزه افرادی که در برابر آیات الهی به مجادله می‌پردازند و از قبول آن سرباز می‌زنند چیزی به جز کبر ایشان نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۷: ۳۴۱). در قرآن کریم از عدم استکبار به عنوان کلید ورود به سعادت و رسیدن به آن یاد شده است. به نحوی که در صورتی که در انسان استکبار وجود داشته باشد، با وجود تمام مقدمات برای رسیدن به حق و عمل به آن فراهم باشد، امکان قبول حق و هدایت برای او ممکن نخواهد شد (ابن عاشور، ۱۹۸۴، م، ۶: ۸۱). یکی از عواملی که منجر به استکبار و ایستادن در برابر حق می‌گردد، امری است که قرآن کریم از آن با عنوان اتراف یاد می‌کند. اتراف به معنی قرار گرفتن فرد در نعمت فراوان است. قرار داشتن فرد در نعمت فراوان و عدم گرفتاری، به مرور زمینه را برای فراموش کردن یاد خدا و استکبار فراهم می‌آورد. در قرآن کریم مترفان، عاملان فسق در سرزمین‌ها دانسته شده‌اند که طی سنت املاء و استدرج با فساد در زمین اسباب هلاکت امت‌ها را فراهم می‌آورند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳: ۶۰). در نهج البلاغه آمده است فردی که عشق به چیزی وجود او را احاطه کرده باشد چشمش کور و قلبش بیمار خواهد شد (سید رضی، ۱۴۱۲، خطبه ۱۰۹)؛ بنابراین آن که به خوداتکا داشته باشد و شیفته و عاشق خود و رأی خود باشد، توان راه‌یابی به حق و هدایت را نخواهد داشت و با حق گلاویز خواهد شد و آن گونه که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است آن که با حق گلاویز شود، حق او را بر زمین خواهد زد (سید رضی، ۱۴۱۲، حکمت ۴۰۸) و آن که صورت خود را در برابر حق قرار دهد به هلاکت خواهد رسید (همان، ۱۴۱۲، حکمت ۱۸۸).

سنت عبودیت: اگر فرد و جامعه مؤمن، بر اساس سنت‌های مادر و

سنت‌های تابع رفتار کند، خداوند آن‌ها را در مسیر سنت عبودیت قرار می‌دهد. اصلی‌ترین سنت و قاعده‌ای که می‌تواند انسان را در مسیر کمال یاری نموده و به پیش ببرد، توجه به ذل عبودیت نفس و عز ربوبیت رب است. شاید به همین دلیل است که سفارش‌های حدیثی از این دریچه آغاز گشته‌اند و هیچ دانستن خود و درک عبودیت آن را گام اول این مسیر برشمرده‌اند. امام صادق (ع) به‌عنوان بصری فرموده‌اند: «فَاطْلُبْ أَوَّلًا مِنْ نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ»^۱ (طبرسی، ۱۳۸۵: ۳۲۶). در این حدیث امام صادق (ع) آغاز اولین گام را از نفس دانسته‌اند. این گام را می‌توان همان گامی دانست که در ابتدای خلقت برداشته شده است و در آیه ذر از آن با تعبیر «وَأَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ»^۲ (الأعراف: ۱۷۲) یاد شده است. در این عبارت نیز خداوند اثبات ربوبیت خود را متوقف بر معرفت آن‌ها بر نفس خود نموده است (ن طباطبایی، ۱۳۹۰، ۸: ۳۰۷ و ۳۰۸). از منظر قرآن کریم خلقت جن و انس تنها برای رسیدن به مقام عبودیت بوده است. در واقع می‌توان بیان داشت رسیدن به مقام عبودیت اصلی‌ترین هدفی است که نظام سنت‌های الهی برای محقق ساختن آن برقرار گشته است (صدر، ۱۴۳۴ق: ۷۱). حقیقت عبودیت به معنی قرار گرفتن عبد در مقام ذلت در برابر رب خویش است که طی آن انسان از نفس خود و از هر امر دیگری دل می‌برد و تنها به ذکر پروردگار خود می‌پردازد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۲۲: ۳۱۵). آیه کریمه «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» (الزمر: ۳۶) به‌عنوان یک سنت الهی، خداوند متعال را برای به مقصد رسیدن آن‌که عبودیت او را برگزیده است، کافی دانسته است. هم‌چنین رسیدن به مقام امامت و انجام کارهای خیر متوقف بر عبودیتی است که مقدم بر آن مقام در بنده حاصل شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۴: ۳۰۵). سنت عبودیت بر اساس آنچه در روایات آمده است، به سه نحو قابل تبیین است. در حدیثی معروف، امام صادق (ع) با ذکر عبادت از روی خوف و عبادت از روی طلب ثواب، افضل عبادت را که عبادت آزادگان است، عبارت از عبادت

۱. پس در ابتدا از نفس خود حقیقت عبودیت را خواستار شو.

۲. و آنها را گواه بر خویش ساخت.

از روی محبت می‌دانند^۱ (کلینی، ۱۳۸۸، ۲: ۸۴)؛ بنابراین مهم‌ترین طریق قرار گرفتن در مسیر سنت عبودیت حرکت از مسیر حب است. در مناجات شعبانیه اصولاً توان حرکت از معصیت به سمت طاعت متوقف برانگیخته شدن محبت دانسته شده است^۲ (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۶۸۶). امام سجاد (ع) نیز در دعای نخست از صحیفه سجادیه نیز به بیان مرتبه‌ای می‌پردازند که خداوند بندگان خود را در مسیر محبت خود می‌اندازد^۳ ((امام) علی بن الحسین (ع)، ۱۳۷۶، دعای اول) این محبت مسیری دوسویه است و به همان میزان که بنده حب لقای خداوند و رسیدن به او را دارد، خداوند نیز حب رسیدن بنده و ملاقات با او را خواهد داشت^۴ (سید مرتضی، ۱۹۹۸، ۱: ۳۲۴ و طوسی، ۱۴۱۱، ۱: ۱۶۹). این مسیر تا آنجا به پیش خواهد رفت که خداوند از سر محبت در قلب بنده خود می‌نشیند تا قلب او را در اختیار بگیرد و تمام حالات او را از آن خود کند^۵ (دیلمی، ۱۴۱۲، ۱: ۲۰۴). محبت تنها وسیله‌ای است که می‌تواند میان عبد و رب ارتباط برقرار کند و بنده را به سوی خدای خود جذب نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳: ۱۵۸). این محبت، قلب را از تعلق به هر چه غیر از خدای تعالی است اعم از

۱. علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن محبوب عن جمیل عن هارون بن خارجه عن ابي عبد الله ع قال: الْعِبَادُ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلِبًا لِلنَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ (کلینی، ۱۳۸۸، ۲: ۸۴).

۲. إلهی لم یکن لی حولٌ فأنْتَقِلَ به عَن مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَفْتٍ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۶۸۶).

۳. «ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِزَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَى مَا أَخْرَجَهُمْ عَنْهُ» ((امام) علی بن الحسین (ع)، ۱۳۷۶، دعای اول).

۴. عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: قال الله تعالى: «إِذَا أَحَبَّ الْعَبْدُ لِقَائِي أَحْبَبْتُ لِقَاءَهُ، وَإِذَا ذَكَرْتَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِذَا ذَكَرْتَنِي فِي مَلَأٍ، ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ، وَإِذَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ شَيْئًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا، وَإِذَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا» (سید مرتضی، ۱۹۹۸، ۱: ۳۲۴). اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ وَأَحْبِبْ لِقَائِي (طوسی، ۱۴۱۱، ۱: ۱۶۹).

۵. رَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمُعْرَاجِ فَقَالَ يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى ... وَأَمَّا الْحَيَاةُ الْبَنَاقِيَةُ فَهِيَ الَّتِي يَعْمَلُ لِنَفْسِهِ حَتَّى تَهْتُونَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَتَصْغُرُ فِي عَيْنِيهِ وَتَعْظُمُ الْأَخِرَةُ عِنْدَهُ وَيُؤَثِّرُ هَوَايَ عَلَى هَوَاؤِهِ وَيَتَّبِعِي مَرْضَاتِي وَيَعْظِمُ حَقَّ عَظَمَتِي وَيَذْكَرُ عَلَيَّ بِهِ وَيَرِ اقْتَبَنِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عِنْدَ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَمَعْصِيَةٍ وَيُنْفِي قَلْبَهُ عَن كُلِّ مَا أَكْرَهُ وَيُبْغِضُ الشَّيْطَانَ وَسَاوِسَهُ لَا يَجْعَلُ لِإِبْلِيسَ عَلَى قَلْبِهِ سُلْطَانًا وَسَبِيلًا فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَسْكَنْتُ فِي قَلْبِهِ حُبًّا حَتَّى أَجْعَلَ قَلْبَهُ لِي وَفِرَاعَهُ وَاشْتِغَالَهُ وَهَمَّهُ وَحَدِيثَهُ مِنَ الْبِعْمَةِ الَّتِي أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَى أَهْلِ مَحَبَّتِي مِنْ خَلْقِي (دیلمی، ۱۴۱۲، ۱: ۲۰۴).

زینت‌های دنیا و ... می‌زداید و از یک‌سو خداوند متعال ولایت فرد را بر عهده می‌گیرد و فرد به مقام ولایت الهیه می‌رسد (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۳: ۲۶۴) و از سوی دیگر زودده شدن قلب به وسیله محبت راه رسیدن به اخلاص است و این محبت است که اخلاص را به ارث خواهد گذاشت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱: ۱۶۰ و ۳: ۱۵۹) و فرد مخلص سراسر وجود انسان را در ملک خدا می‌بیند و برای خود ملکی در ارتباط با نفس خود و هیچ‌یک از صفات نفسش در نظر نخواهد گرفت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۱۶۵). این اخلاص خود سبب می‌گردد که انسان موفق به دیدن برهان رب گردد و به هیچ نوع بدی گرایش پیدا نکند و به مقام عصمت الهیه برسد (جوادی، ۱۳۷۸، ۱۳۰: ۱۱). بر این اساس بر اساس سنت الهی عبودیت رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه متوقف بر قرار گرفتن در مقام عبودیتی است که تحقق آن به درک ذل عبودیت و عز ربوبیت است. والاترین طریق تحقق عبودیت مسیر محبت است که در درجه‌های آن عبد به مقام ولایت، اخلاص و عصمت الهیه دست خواهد یافت.

سنت ولایت الهی: رسیدن به ولایت الهی مقامی محسوب می‌شود که از طریق عبودیت برای انسان حاصل می‌گردد. راه رسیدن به ولایت الهی در قرآن کریم توجه به ولایت اولیای الهی است. فرموده خداوند متعال در آیه «قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله» (آل عمران: ۳۱) نشان‌دهنده این نکته مهم است که ولایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌که با تبعیت از ایشان اتفاق می‌افتد، مسیر رسیدن به ولایت الهی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳: ۱۶۰) و بر اساس دیگر آیات کریمه، آن که کمترین ناخوشایندی نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امور مربوط به ایشان داشته باشد دچار مرتبه‌ای از شرک در ایمان خود به خداوند شده است (جوادی، ۱۳۷۸، ۴: ۴۰۶). بر این اساس لازمه محبت خداوند و رسیدن به ولایت الهی دوری از موالات دشمنان خدا و موالات خداوند یا افرادی که خداوند به موالات آن‌ها فراخوانده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵: ۳۸۴)؛ بنابراین ولایت اولیای الهی شرط تحقق ولایت الهی است. از سوی دیگر ولایت کافران و افرادی که خدا به ولایت ایشان دستور نداده است، زمینه‌ساز

الحاق به ایشان و خروج از ولایت الهی است؛ زیرا محبت و مودت سبب از میان رفتن هرگونه پراکندگی است که طی آن ارواح جدا از هم با یکدیگر اتحاد پیدا می‌کنند و ادراکات، اخلاق و رفتار مشابه پیدا خواهند نمود (جوادی، ۱۳۷۸، ۴: ۳۰۷). درواقع آن دسته از افراد که دارای ایمان اندکی هستند و از جامعه مؤمنان دور شده و به دوستی و همراهی با کافران دچار شده‌اند، شایسته وصف نفاق هستند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۱۵). از سوی دیگر برای محقق شدن به مقام ولایت الهی لازم است انسان از مسیر ولایت میان برادران دینی خود عبور نماید. در قرآن کریم به‌عنوان یک قاعده مؤمنان تنها برادر دانسته شده‌اند (الحجرات: ۱۰) و میان ایشان ولایت برقرار شده است. در آخرین آیه از سوره مبارکه آل عمران مقدمه رسیدن به فلاح مرابطه میان مؤمنان دانسته شده است که به تعبیر علامه طباطبایی ایجاد جماعت میان مؤمنان است به گونه‌ای که در تمامی امور زندگی دینی خود، میان نیروها و کارهایشان ارتباط برقرار کنند تا به این وسیله به سعادت دنیا و آخرت دست یابند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۴: ۹۱ - ۹۲) بنابراین مسیر تحقق عبودیت با طی مسیر ولایت الهی محقق خواهد شد و دسترسی به ولایت الهی نیز از مسیر ولایت اولیای الهی و همچنین ولایت میان مؤمنان امکان‌پذیر خواهد بود.

رفتارهای زمینه‌ساز تحقق سنت ولایت الهی: پیش‌ازاین گذشت که عبد بودن، مخلص بودن و تحت ولایت الهی قرار گرفتن که از مسیر ولایت اولیای الهی و ولایت مؤمنان می‌گذرد قواعد و سنن مهمی در حیات انسان هستند که زمینه را برای موفقیت انسان در سنت‌های الهی همچون سنت تشریح و ابتلا فراهم می‌آورند و او را مشمول سنت ولایت الهی می‌سازند. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های زمینه‌ساز تحقق سنن الهی در وجود انسان اشاره می‌کنیم. این مؤلفه‌ها به‌منزله قواعدی هستند که در قرآن کریم و روایات به آن‌ها اشاره شده است.

الف) ایمان و تقوا: مهم‌ترین عنصر در وجود انسان که سبب تحقق سنن الهی درباره او می‌شود، عبارت از ایمان و تقوا است. این دو عنصر سبب می‌شود

انسان علاوه بر هدایت عمومی از طریق عمل به دستورات انبیا و امامان بر اساس سنت نبوت و امامت به هدایت خاص دست یابد. بر اساس آیه «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ» (یونس: ۹) ایمان و عمل صالح سبب می‌گردد فرد مؤمن مشمول هدایت خاص خداوند متعال قرار گیرد. همچنین تقوا عنصر دیگری است که سبب دسترسی فرد متقی به هدایت خاص الهی خواهد گشت. در آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (البقرة: ۱) اثر تقوا در توانایی دریافت هدایت از قرآن کریم روشن شده است و این صفت تقوا است که سبب می‌گردد انسان در سایه ولایت الهی قرار گیرد (الجاثية: ۱۹) و سزاوار محبت الهی گردد (آل عمران: ۷۶). علاوه بر این عنصر ایمان و تقوا در قرآن کریم عامل همراهی تکوین با انسان و گشوده شدن برکات آسمان و زمین دانسته شده است (الأعراف: ۹۶).

ب) احسان: ویژگی احسان از مؤلفه‌هایی است که به صورت مکرر در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال درباره اهل احسان فرموده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (العنكبوت: ۶۹). علامه طباطبایی بر اساس این آیه احسان محسن را سبب هدایت وی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲: ۳۵۷ و ۳۵۸). علامه طباطبایی همراهی خدا با محسنان که در این آیه بیان شده است را فراتر از همراهی به جهت یاری صرف آنان دانسته و از آن به همراهی رحمت آمیز و همراه با عنایت از سوی خداوند متعال تعبیر نموده‌اند (جوادی، ۱۳۷۸، ۱۶: ۴۰۶)؛ آن گونه که در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم رحمت خداوند متعال نزدیک به مؤمنان دانسته شده است (الأعراف: ۵۶). از سوی دیگر احسان سبب خواهد شد که فرد از حکم و علم الهی بهره‌مند گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱: ۱۱۹).

ج) رفتار بر مبنای عقل و عقلانیت: در قرآن کریم بر اهمیت عقل تأکید فراوان شده است و خداوند متعال در آیه «وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (البقرة: ۲۶۹) تذکر را تنها از سوی افرادی که دارای عقل هستند ممکن دانسته است؛ بنابراین تذکر یافتن که زمینه پدید آمدن حکمت است متوقف بر بهره‌مندی از نعمت

عقل است (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ۲: ۳۹۶). امیر مؤمنان علیه السلام در بیانی که در نهج البلاغه آمده است فرموده‌اند: « مَا اسْتَوْذَعَ اللَّهُ امْرَأً عَقْلاً، إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ بِهِ يَوْمًا مَا » (سید رضی، ۱۴۱۲، حکمت ۴۰۵). در روایات اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک قاعده بر این امر تأکید شده است که هرگونه عمل انسان تنها در آن صورت اثربخشی خواهد داشت و او را به هدایت نزدیک خواهد کرد که بر مبنای علم انجام شود و در غیر این صورت نه تنها اثر مثبت نخواهد بخشید؛ بلکه سبب دوری از مقصد خواهد گشت (سید رضی، ۱۴۱۲، خطبه ۱۵۴)

د) صبر و جدیت صادقانه: در قرآن کریم تحقق کلمه حسنی الهی متوقف بر صبر عنوان شده است (الأعراف: ۱۳۷) از سوی دیگر صدق و عدل در آیه‌ای دیگر قرین کلمه الهی دانسته شده‌اند (الأنعام: ۱۱۵). در نهج البلاغه پیروزی و رسیدن به حق از آن فردی دانسته شده که صبر پیشه نماید و جدیت داشته باشد (سید رضی، ۱۴۱۲، حکمت ۱۵۳ و خطبه ۲۹) بر این مبنا فردی دارای بصیرت است که با شکیبایی به سخن حق گوش فرا دهد، تفکر نماید، ببیند و بصیرت پیدا کند و بر این اساس راه روشنی را ببیند تا از افتادن به هلاکت گاه‌ها رهایی پیدا کند (سید رضی، ۱۴۱۲، خطبه ۱۵۳). همچنین راه طاعت الهی به عکس راه معصیت که همراه با شهوت است، با سختی همراه است و انسان باید در این مسیر نیز صبور بوده و جدیت از خود نشان دهد (همان، ۱۴۱۲، خطبه ۱۷۶). به عکس این عدم جدیت و رها کردن حق است که همواره اسباب مغلوب شدن و عدم توفیق را فراهم می‌آورد (همان، ۱۴۱۲، خطبه ۱۶۶ و خطبه ۳۴) و البته ناگفته نماند که تمامی این امور لازم است که با صدق همراه باشد و آنگاه خداوند متعال نصرت خود را شامل حال انسان می‌کند که پس از صبر و جدیت فراوان صدق بنده را در میدان حاضر ببیند (همان، ۱۴۱۲، خطبه ۵۶).

۵. واکنش مؤمنانه در حل مسائل اجتماعی در بستر سنت‌های الهی

توجه به سنت‌های الهی این باور را برای فردی که درصدد حل مسائل اجتماعی است، فراهم خواهد آورد که او با سنت‌های متعددی احاطه شده است و برای

موفقیت لازم است به این منظومه سنت‌ها توجه نماید. می‌توان مهم‌ترین واکنش فرد مؤمن در این عرصه را توجه به سنت اقامه حق الهی دانست. او با توجه به سنت‌های الهی می‌داند که نظامی تحت عنوان نظام حق و باطل وجود دارد و لازم است اعتقاد، قول و فعل فرد و جامعه بر اساس حق سامان یابد. در نتیجه در دستگاه محاسباتی و تحلیل‌گر شخصی که به دنبال حل مسئله است، تنها محاسبات مادی و واقعیت‌های اجتماعی به چشم نمی‌خورد. انسانی که مؤمن باشد و عمل صالح انجام دهد بر اساس آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (النحل: ۹۷) زندگی دوباره‌ای خواهد یافت و در این مسیر علم و قدرت تازه‌ای پیدا خواهد نمود. او اشیاء را به گونه‌ای خواهد یافت که به دودسته حق و باطل تقسیم شده‌اند که دسته‌ای حق و دسته‌ای باطل هستند. باطل عبارت از حیات دنیا با تمام ظواهر آن است و حق آن چیزی است که با خدا ارتباط وثیق دارد. او قلب خود را به پروردگار حق خود گره خواهد زد که هر حقی را با کلمات خود برقرار می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۳۴۲). با توجه به این که انبیا و امامان علیهم‌السلام اسوه واقعی در حیات اجتماعی و الگوی مطلوب در حل مسائل اجتماعی هستند، فرد مؤمن با الگو گرفتن از آن‌ها با دو سنت نبوت و امامت ارتباط پیدا می‌کند. بر این اساس، شخص مؤمن، با عنایت به سیره و سبک زندگی فردی و اجتماعی انبیا و امامان، سنت‌های حاکم بر سبک زندگی آن‌ها را کشف نموده و به حل مسئله خود و جامعه می‌پردازد. انسان در رویکرد مؤمنانه به مسائل اجتماعی، به سنت ابتلا نیز توجه دارد و پاره‌ای از مشکلات و مسائل اجتماعی را در ارتباط با حوزه ابتلای الهی می‌داند. با توجه به این سنت، بخشی از فرایند حل مسئله، آگاهی بخشی به جامعه در این مورد است و این که ابتلای الهی نه تنها عامل سقوط و شکست نیست بلکه یکی از عوامل رشد فرد و جامعه محسوب می‌شود. بر اساس سنت همراهی تکوین با تشریح، انسان سعی خواهد نمود که با عقیده حق و عمل صالح با عالم تکوین همراه شود و از برکات این هماهنگی استفاده نماید. شخص مؤمن که به دنبال حل مسئله است، سعی می‌کند تا با تنظیم و

مدیریت رفتار خود و رفتار جامعه بر اساس سنت‌های مادر و سنت‌های تابع، زمینه را برای سنت‌هایی مانند املاء، مکر و استدراج فراهم نکند و از فرصت امتحان در حیات دنیا بیشترین بهره را برای سیر به سمت خدا و کمال ببرد. فرد مؤمن مسیر موفقیت را از مسیر عبودیت، اخلاص، محبت به خدا و در نتیجه قرار گرفتن در سایه ولایت الهی می‌داند. رسیدن به ولایت الهی نیز از طریق ولایت اولیای الهی و ولایت میان مؤمنان و توجه به آن عبور خواهد نمود و نهایتاً رفتار بر پایه عقل و دانش، ایمان و تقوا، احسان و صبر و جدیت صادقانه رویکردهایی است که برای وی امکان ماندگاری در سایه ولایت الهی را فراهم خواهد آورد.

۶. واکنش غیر مؤمنانه در حل مسائل اجتماعی در بستر سنت‌های الهی

فرد غیر مؤمن توان و ظرفیت مشاهده اصلی‌ترین سنت‌های الهی مانند سنت اقامه حق، هدایت، تشریح و ابتلا را ندارد. بر این مبنا او دست خدا را در برپاداشتن حق و نابود کردن باطل نمی‌بیند و برای او اعتقاد، اخلاق و رفتار بر اساس حق یا باطل هیچ‌گونه تفاوتی نخواهد داشت. فرد غیر مؤمن در هر صورت دچار زیان و خسران است. او حتی در صورتی که به موفقیت ظاهری دست پیدا کند ممکن است تحت شمول سنت املاء، مکر و استدراج باشد و در انتظار عذاب الهی به سر ببرد. علاوه بر این که سنت همراهی تکوین با تشریح و عدم تقید وی به اصول تشریح سبب عدم همراهی نظام تکوین با وی خواهد گشت. نهایتاً او رفتارهایی خواهد داشت که زمینه‌ساز عدم توفیق او در حل صحیح مسائل و اضلال وی و جامعه‌اش خواهد گشت. تبعیت از هوای نفس، فسق، قساوت قلب و تقلید مذموم از عوامل تحت شمول قرار گرفتن نسبت به سنت اضلال است و رفتارهایی بر اساس فراموش کردن یاد خدا، فسق، ظلم و استکبار زمینه‌ساز شمول این سنت خواهد بود.

۷. نتایج

در جهان‌بینی قرآنی واقعیت‌های اجتماعی اصالت ندارند و آنچه اصالت دارد

سنت‌های تغییرناپذیر الهی است. با توجه به حتمی بودن سنت‌های الهی، زندگی فردی و اجتماعی انسان با این سنت‌ها آمیخته و گره خورده است. در نتیجه برای حل مسائل اجتماعی باید به آن‌ها عنایت و اهتمام داشت. آشنایی با سنت‌های قرآن کریم می‌تواند در سه حوزه تشخیص مسئله، شناخت اسباب و عوامل مسئله و نهایتاً حل مسئله اجتماعی مؤثر باشد. سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم را می‌توان به سه دسته سنت‌های مادر، سنت‌های تابع و سنت‌های مبتنی بر رفتار انسان تقسیم کرد. سنت اقامه حق، سنت هدایت و سنت تشریح و امتحان سنت‌های مادر محسوب می‌شوند. سنت‌های تابع عبارت‌اند از: سنت نبوت، امامت، امداد، همراهی تکوین با تشریح و سنت مبتنی بودن حیات دنیا بر آزمایش. سنت‌های املاء و مکر و استدراج و اضلال الهی سنت‌های مبتنی بر رفتار انسان را تشکیل می‌دهند. انسان مؤمن با التزام سنت‌های مادر و تابع از حیات طیبه برخوردار می‌شود. این حیات به وی دانش و قدرتی عطا می‌کند که با استفاده از آن، در فرایند حل مسئله اجتماعی حق را از باطل بازشناسد و منافع و مصالح درازمدت را بر مصالح کوتاه‌مدت ترجیح دهد. اگر فرد و جامعه به سنت‌های مادر و تابع پایبند باشند، هیچ‌گاه به سنت‌های مبتنی بر رفتار انسان مانند املاء و مکر و استدراج دچار نمی‌شوند. سنت همراهی تکوین با تشریح یکی از سنت‌های مهم در راستای حل مسائل اجتماعی است. جهان هستی در برابر اعمال انسان‌ها بی‌تفاوت نیست و هر مقدار فرد و جامعه‌ای به پاسداری از ارزش‌های الهی همت گمارند، خداوند متعال نیز نظام هستی را با آن‌ها همراه می‌کند. انسان غیر مؤمن با سنت‌های املاء، مکر و استدراج مواجه می‌شود و بر اساس این سنت‌ها در مسیر حل مسئله ممکن است احساس موفقیت در کوتاه‌مدت داشته باشد و راه حل خویش را صحیح و شایسته بشمارد، در حالی که در باطل غوطه‌ور شده و تلاش بیشتر او برای حل مسئله، وی را به دور شدن بیشتر از موفقیت و راه حل سوق خواهد داد. شناخت جایگاه سنت‌های اجتماعی قرآن می‌تواند زمینه را برای حل مسائل اجتماعی از طریق علوم انسانی اجتماعی قرآن بنیان و نظریه‌پردازی بر اساس آن‌ها فراهم کند. تا زمانی که سنت‌های

اجتماعی قرآن به درستی شناخته و اجرا نشود، حکمرانی دینی در مواجهه با مسائل اجتماعی نیز در قالب حکمرانی سکولار یا التقاطی ظهور خواهد کرد. انحطاط و رشد فرهنگی و تمدنی جوامع درگرو نوع مواجهه امت‌ها با سنت‌های اجتماعی قرآن است. مواجهه غیر مؤمنانه با سنت‌ها جوامع را به سنت‌های دیگری مبتلا می‌کند که به انحطاط تدریجی آن‌ها می‌انجامد.

منابع

- *قرآن کریم.
*نهج البلاغه.
*صحیفه سجادیه.
- ابراهیمی پور، قاسم. (۱۳۹۰). «روش‌شناسی اندیشه اجتماعی دورکیم، وینچ و علامه طباطبایی». معرفت فرهنگی و اجتماعی. شماره ۴. صص ۱۰۳-۱۲۴
- ابن طاووس، سید علی رضی‌الدین. (۱۳۹۰ ق). *إقبال الأعمال*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۹۸۴ ق). *تفسیرالتحریر والتنوير*. تونس: الدارالتونسیه للنشر.
- افضلی، علیرضا. (۱۳۹۵). «مدیریت اسلامی مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی مورد مطالعه سنت رزق». تحقیقات بنیادین علوم انسانی. شماره ۵، صص ۷-۳۴
- ایمان، محمدتقی؛ کلاته‌ساداتی، احمد. (۱۳۸۹). «روش‌شناسی علوم اجتماعی در اسلام با نگاهی به دیدگاه مسعود العالم چودهداری». *روش‌شناسی علوم انسانی*. شماره ۶۳. صص ۷-۲۸
- بحرینی، مسعود و همکاران. (۱۳۹۰). «شکافی در کیفیت خدمات آموزشی». *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۱۱، شماره ۷، صص ۶۸۵-۶۹۵
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۷۸). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*. قم: نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ ق). *الصحاح*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *ارشاد القلوب إلى الصواب*. قم: شریف رضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۷). *معجم مفردات الفاظ القرآن*. قم: انتشارات مرتضوی.
- رحمانی، نیما. (۱۳۹۷). «معرفی سازمان سنت‌گرا (سازمان مبنی بر سنن الهی اجتماعی) در مقایسه با سازمان نیوتنی و کوانتومی». *اسلام و مدیریت*. شماره ۱۳، صص ۱۳۹-۱۵۹
- روحانی، تورج. (۱۳۹۴). «سنت‌های الهی در قرآن منطق استخراج حوزه‌های تأثیر و ویژگی‌ها». *فرهنگ پژوهش*، شماره ۲۳، صص ۹۵-۱۲۸
- سوداگر، هاشم. (۱۳۹۸ الف). *دلالت‌های قرآنی برای تحلیل خط‌مشی عمومی با تأکید بر نقش تحلیلگر خط‌مشی*، رساله دکتری، استاد راهنما: علینقی امیری و سید مجتبی امامی، دانشگاه تهران.
- سوداگر، هاشم. (۱۳۹۸ ب). «راه رسیدن به راه حل». *تأملات رشد*. شماره ۳. صص ۵۷-۵۸
- سید مرتضی، علی بن الحسین. (۱۹۹۸ م). *أمالی المرتضی درر القوائد و غرر القلائد*. تصحیح: محمد ابو الفضل ابراهیم، قاهرة: دار الفكر العربی.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۴۳۴ ق). *المدرسة القرآنية*. قم: دار الكتاب الإسلامي.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۷). *بررسی‌های اسلامی*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: الأعلمی.
- طبرسی، الفضل بن الحسن. (۱۴۱۵ ق). *تفسیر مجمع البیان*. بیروت: الأعلمی.
- طبرسی، علی بن الحسن. (۱۳۸۵ ق). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. نجف اشرف: المطبعة الحیدریة.
- طرقی، مجید. (۱۳۹۲). *درسامه روش تحقیق*. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ ق). *مصباح المتهجد*. بیروت: فقه الشیعة.

فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ ق). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر.

فیض، علیرضا. (۱۳۸۲). *ویژگیهای اجتهاد و فقه*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ ق). *الکافی*. تصحیح: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامية.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.

میرزایی، نجفعلی. (۲۰۰۸ م). *فلسفه مرجعیه القرآن المعرفیه فی إنتاج المعرفة الدینیة*. بیروت: مرکز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي.

الوانی، سید مهدی؛ زاهدی، شمس السادات. (۱۳۷۵). *مباحث ویژه مدیریت دولتی*. تهران: سمت.

REFERENCES

- * The Quran.
- * Nahj al-Balagha.
- * Sahifa Sajjadiyyah.
- Afzali, Alireza. (1395). Islamic Management based on divine traditions, case study: the tradition of Rizq. Basic research in the humanities. Issue. 5, pp. 7-34.
- Al-Dailami, Hasan bin Muhammad. (1412 AH). Irshad al-Qoloub ila al-Sawab, Qum: Sharif Razi.
- Al-Jawhari, Ismail Ibn Hamad. (1404 AH). Al-Sihah, Beirut: Dar al-Ilm li-l Malayin.
- Al-Kulaini, Muhammad ibn Yaqub. (1388 AH). Al-Kafi. Corrected by Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Al-Raghib Al-Isfahani, Husain bin Muhammad. (1377). Mujam Mufradat Alfaz al-Quran, Qum: Mortazavi publications.
- Al-Sadr, Sayed Muhammad Baqir. (1434 BC). Al-Madrasah al-Qur'aniyah. Dar al-Kitab al-Islami.
- Al-Tabarsi, al-Fadl Ibn Al-Hasan. (1415 AH). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-A'lami.
- Al-Tabarsi, Ali bin Al-Hasan. (1385 AH). Mishkat al-Anwar fi Ghurar al-Akhbar. Najaf: Al-Matbaa al-Haydariyah.
- Al-Tabatabaei, Sayed Muhammad Hussain. (1387). Islamic studies. Qom: Islamic propaganda office.
- Al-Tabatabaei, Sayed Muhammad Hussain. (1390). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-A'lami.
- Al-Tousi, Muhammad Bin Hasan. (1411 AH). Misbah al-Mutahajjid. Beirut: Fiqh al-Shi'a.
- Alvani, Sayed Mehdi; Zahedi, Shams al-Sadat. (1375). Special topics of Public Administration. Tehran: Samt.
- Bahraini, Massoud et al. (1390). "A gap in the quality of educational services." Iranian Journal of education in medical sciences, Vol. 11, Issue. 7, pp. 685-695.
- Fadlallah, Muhammad Hussain. (1419 AH). Tafsir Min Wahy al-Qur'an. Beirut: Dar Al-Malak for printing and publishing.
- Feyz, Alireza. (1382). Characteristics of ijthihad and jurisprudence. Tehran: Institute of Humanities and cultural studies.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir. (1984). The commentary of Al-Tahrir and al-Tanwir, Dar al-Tunisia for publishing.
- Ibn Tawous, Sayyid Ali Radiuddin. (1390 AH). Iqbal al-Amal, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Ibrahimpour, Qasim. (1390). "Methodology of social thought of Durkheim, winch and Al-lameh Tabatabaei". Cultural and social knowledge. Issue 4. Pp. 103-124.
- Iman, Muhammad Taqi, Kalateh Sadati, Ahmad. (1389). "The methodology of Social Sciences in Islam with a look at the view of Masoud Al-Alam Choudhari". Methodology of the humanities. Issue. 63. Pp. 7-28.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1378). Tasnim; the interpretation of the Quran. Israa publications.
- Mesbah Yazidi, Muhammad Taqi. (1389). Society and history from the perspective of the Qur'an. Tehran: International publication of the Islamic propaganda organization.
- Mirzaei, Najaf-Ali. (2008). Falsafa Marjaiyat al-Qur'an al-Marifiyah fi Intaj al-Marifa al-Diniyah. Beirut: the center of the Islamic thought.

- Rahmani, Nima. (1397). "Introduction of the Traditionalist organization (based on social divine traditions) compared to the Newtonian and quantum-based organization". *Islam and management*. Issue. 13, pp. 139-159
- Ruhani, Tooraj (1394). "The divine traditions in the Qur'an, the logic of extracting the domains of influence and characteristics". *Farhang Pajouhesh*, Issue. 23, pp. 95-128.
- Sayed Murtaza, Ali bin al-Husein. (1998). *Amali Al-Murtaza, Durar al-Fawa'id and Ghurar al-Qala'id*, corrected by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Sodagar, Hashem. (1398 - A), *Qur'anic implications for the analysis of public policy with emphasis on the role of policy analyst*, PhD thesis, Supervisor: Ali Naqi Amiri and Syed Muhtaba Imami, University of Tehran.
- Sodagar, Hashem. (1398 - B). "The way to the solution". *Taammolat Roshd*. Issue. 3. Pp. 57-58.
- Toroghi, Majid. (1392). *The research methodology textbook*. Qom: The Seminary Management Center for Women.

| Extended Abstract |

The Necessities of Solving Social Problems based on Social Traditions of the Qur'an

Mahmoud Karimi

Research Objective:

The Divine traditions mentioned in the Qur'an have social functions. Since the interpretations of the Qur'an are usually written with an individual approach, different sections of society are deprived of this type of Qur'anic guidance. This study aims to determine the divine traditions and laws that, based on the Qur'anic teachings, whoever wants to solve the social problem must first become aware of them, and then adjust his and society's behavior based on them. The main problem of this study is to explain the role of Qur'anic traditions in solving social problems and how these traditions affect the behavior of the individual and society, which can ultimately lead to the growth and dynamics of society, or its decline and fall.

Research Method:

This research has prepared with a descriptive-analytical method. First, following the verses of the Qur'an, a collection of verses that literally or conceptually refer to social traditions was collected. Then the verses were categorized by the type of traditions. In the next step, the verses were examined and analyzed by referring to commentaries and other sources related to the topic. Finally, the difference between a believer's reaction and a non-believer's reaction in the solving of the problem was examined in terms of results, consequences and harms.

Research Findings:

The findings of the study show that divine traditions in the Qur'an can be divided into three categories: mother traditions, subordinate traditions, and traditions based on human behavior. In the face of social issues, a believer feels surrounded by these three types of divine traditions, and must recognize these traditions in order to find solutions to social issues and organize his lifestyle and society based on these traditions. Mother and subordinate traditions are realized in a primitive and independent way in society. But traditions based on human behavior happen as a reaction and the way that individuals and societies deal with mother and subordinate traditions. The mother traditions include the tradition of the Establishment of Truth, the tradition of Guidance, and the tradition of the Tashri' and Examination. The subordinate traditions are: the tradition of Prophethood, Imamate, Relief, the Accompaniment of Takwin (nature) with Tashri' (divine laws), and the tradition of the test-centeredness of worldly life. On the other hand, the traditions of Imla', Makr, Istidraj and divine Idlal are the traditions based on human behavior. If a person and society maintain their adherence to mother and subordinate traditions, they will never be subjected to

the traditions based on human behavior such as Imla', Makr and Istidraj. Awareness of the traditions mentioned in the Qur'an can be effective in three areas: problem recognition, determination of the causes of the problem, and ultimately solving the social problem.

Research Results:

Recognition of the divine traditions gives man a new life, in light of which he enjoys a kind of knowledge and power that can be used to solve social problems, while a non-believer who does not recognize divine traditions does not have such knowledge and power, and his successes in solving social problems will also be subject to fail, even if he is not aware of this fact. Adherence to non-believing traditions and neglecting of believing traditions expose the individual and society to traditions that make the process of solving social problems unproductive, and society suffers from cultural and civilization degeneration. Within the context of the social traditions of the Qur'an, the issues faced by the Muslim community in religious governance, social humanities, and establishing Ummah have been examined with an approach beyond material analysis and conventional calculations, and comprehensive solutions proposed for them. As a result, this research can provide valuable assistance to those involved in the criticism of Western science, and the production of Islamic humanities, and those concerned in the field of religious governance.

KEYWORDS: Qur'anic Traditions, Social Problems, Problem Solving, Society and the Qur'an, Social Harms